

مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل وابسته به سازمان
فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان برگزار می کند:



سازمان فرهنگی تفریحی
شهرداری اصفهان



سخنران: دکتر
سیداصغر
محمودآبادی

استاد دانشگاه اصفهان

سه شنبه ۱۰ مرداد ۹۶

ساعت ۱۸:۳۰ الی ۲۰:۳۰

خیابان باغ گلدهسته، سالن همایش های

کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان

www.cois.ir / ۳۲۲۴۵۱۸۴

سورة

در زمینه تاریخ شهر در ایران پیش از اسلام ما می‌توانیم ۵ دوره تاریخی را مطالعه بکنیم دوره ایلامی‌ها که پیش از آریاها در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند دوره مادها که اهمیت بیشتری دارد اما متأسفانه اطلاعات ما همیشه محدود محصور است در این زمینه و بعد تاریخ پربار و روشن دوره هخامنشی که هنوز مورد بررسی است و ما در اینجا چند شهر هخامنشی را معرفی می‌کنیم به ویژه پاسارگاد و بعد به دوره جدیدی می‌رسیم که کمتر در تاریخ ایران راجع به آن بحث شده است و آن دوره سلوکیان است و اما کتاب استاد دیاکانوف اطلاعات جامع و شگفت‌انگیزی راجع به دوره سلوکیان دارد و شهرهایی که اینان ساخته‌اند و تنها استادی که به زعم بنده جامع و کامل در زمینه سلوکیان کار کرده است استاد زنده یاد زرین کوب بوده است و بعد تاز سلوکیان ما وارد شهرهای پارتی می‌شویم که همان شهرهای سلوکیان است و بعد از آن وارد تاریخ ساسانیان می‌شویم. ساسانیان شهرسازان عمده تاریخ ایران هستند و ما انواع رشد و رونق و اقتصاد و ... را به طور کامل در دوره ساسانیان داریم و متن این موضوع را از کتاب بسیار ارزشمند دانشمند فقید روسی خانم پرفسور نینا پترونا ویوولسکایا استخراج کرده‌ام. این کتاب را در ایران مرحوم پرفسور رضا ترجمه کرده‌اند و نام این کتاب است شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. برای نمونه در این کتاب اشاره شده که در زمان ساسانیان ایران ۲۰۰ ضرابخانه داشته‌اند و بعد از اسلام تمام این‌ها در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد. باید در اینجا متذکر شوم که مسلمانان در ایران زیاد موفق عمل نکرده‌اند و مسلمانان بیشتر در عراق و مصر را سوریه تغییرات ایجاد کرده‌اند.

در هزاره دوم قبل از میلاد هنگامی که آریاییان به ایران آمدند بنا بر اطلاعاتی که باستان‌شناسان ایران شناسان و محققین داده‌اند زندگی کوچ‌نشینی داشته‌اند و شاید تا یک هزار سال اول حضورشان در این سرزمین این زندگی کوچ‌نشینی را همچنان تجربه می‌کرده‌اند که آثار آن هنوز تقریباً در ایران است و به قول پرفسور گیشمن اینها به مظاهر خانه می‌پرداختند تا مظاهر مدن کمتر علاقمند بودند که وارد فضاهای سیاسی بشوند اگرچه در اطراف آنها دولتهای نیرومندی حضور داشتند همچون سومریان در بین‌النهرین اما آریایی‌ها فقط به زندگی طبیعی می‌پرداختند و بیشتر ترجیح می‌دادند در خانه‌هایشان به خانواده برسند. آریایی‌ها از نظر

سیاسی در غرب آسیا بسیار عقب افتاده بودند و روش زندگی خود را عوض نمی کردند و سیستم کلی زندگی ایشان بیلاق و قشلاق بود و دام پروری و مبادلات که این شکل زندگی ایشان به ثبت رسیده است. در نتیجه آریایی ها حدود یک هزار سال از درجه تمدن عقب افتاده اند و در سه نقطه ایران یکی شمال شرقی ایران که بعدا پارتها به وجود آمدند در آن قسمت یعنی منطقه خراسان جنوبی تا گرگان نقطه دوم پارس بود همین سرزمین شیراز تا خلیج فارس و نقطه سوم منطقه غرب ایران بود که شامل آذربایجان کرمانشاه و همدان و به آن سو می شد در آنجا زندگی می کردند ولی یک منطق مشترک داشتند و همدیگر را می فهمیدند و با هم دیگر ارتباط داشتند اما با توجه به شرایط طبیعی ایران همچون کوه ها و تپه ها ایشان کمتر می توانستند ارتباط برقرار بکنند در نتیجه آنها یک زندگی خاص داشتند و محققین و نویسندگان زندگی آنها را بررسی کرده اند و متوجه شده اند که ایشان شامل در نتیجه آریایی ها حدود یک هزار سال از درجه تمدن عقب افتاده اند و در سه نقطه ایران یکی شمال شرقی ایران که بعدا پارتها به وجود آمدند در آن قسمت یعنی منطقه خراسان جنوبی تا گرگان نقطه دوم پارس بود همین سرزمین شیراز تا خلیج فارس و نقطه سوم منطقه غرب ایران بود که شامل آذربایجان کرمانشاه و همدان و به آن سو می شد در آنجا زندگی می کردند ولی یک منطق مشترک داشتند و همدیگر را می فهمیدند و با هم دیگر ارتباط داشتند اما با توجه به شرایط طبیعی ایران همچون کوه ها و تپه ها ایشان کمتر می توانستند ارتباط برقرار بکنند در نتیجه آنها یک زندگی خاص داشتند و محققین و نویسندگان زندگی آنها را بررسی کرده اند و متوجه شده اند که ایشان شامل ۴ گروه بوده اند اولین گروه نه من بوده. کلمه خانمان را نه من می گوئیم بحث دوم ویس ها بوده اند ویس ها در واقع روستا بوده و مجموعه ای از چند خانمان در یک روستا که به اصطلاح خاندان می شده است. بعد از آن زن تو بوده که می شود دودمان و آخرین ده یو بوده یعنی در واقع قوم. پس می بینیم که این ها ساختار سیاسی ندارند و شهری ندارند و بیشتر در خانواده ها رشد می کنند. احتمالا این ها از نواحی دشت های اوراسی به این مناطق آمده بودند و علت آن وجود سرمای بسیار کشنده و شدیدی بوده که در آن مناطق حاکم بوده است. در واقع تا سپیده دم مادها ما نمی توانیم بگوئیم که شهری در اینجا وجود داشته است. اما بعد از کوچ آریایی ها به این

قسمت یک اتفاق عجیب در این قسمت روی می دهد و آن این است که آنها متمایل می شوند یک نیروی سیاسی در این قسمت ایجاد کنند و این تمایل یک تمایل اضطراری بوده و حتی گریشمن در کتاب خود ایران قبل از اسلام که آقای معین ترجمه کرده اند می گوید که ایرانی ها هیچ علاقه ای به سیاست و مدن نداشته اند و زندگی آرام و درون گرایی داشته اند. دولت آشور که دولتی بسیار قوی در شرق بوده است با دولت مادها درگیر شد و مادها ناچار شدند بین اسارت و آزادی یکی را انتخاب کنند و این یک افتخار بزرگ در تاریخ ماست که آنها سعی کردند آزادی را انتخاب کنند و این آغاز مبارزات سیاسی تاریخ ماست و در طی یک اتحاد ملی و یک اتحاد تاریخی توانستند دولت آشور که بسیار قدرتمند بود را شکست بدهند و حتی امروزه نیز از دیدگاه تاریخی این ماجرا بسیار بعید به نظر می رسد که دولتی که بسیار قدرتمند بوده و ماشین ابزار جنگی زمان خود بوده و نیروی نظامی آن به شکلی بوده که همگان در مقابل آن تسلیم بوده اند مادها توانستند در شهر نینوا پایتخت آشوریان در شمال عراق امروز را در طی نبردی خانه به خانه کوچه به کوچه و سقف به سقف از بین ببرند و نابود کنند در نتیجه ما ملاحظه می کنیم که مادها وارد تاریخ می شوند. در اینجا لازم به ذکر چند نکته است بنده متن یک قرارداد را بین آشوریان و مادها یافته ام که گفتن آن خالی از لطف نیست و این قرارداد معاهده ای است در بین شاه آشور به نام اسرهدون پدرا آشوربانیپال آخرین پادشاه خونخوار آشوری است بین ایشان و یک رهبر مادی به نام راماماتایا، این یک قرارداد نظامی است و شاید نخستین باری باشد که در تاریخ ما در حدود دوهزار و ششصد سال پیش یک چنین نوشته ای بین یک امپراطور آشوری و یک سرکرده مادی در حوزه کردستان امروز حدود ۶۷۲ قبل از میلاد نوشته شده است. می نویسد که این پیمانی است بین اسرهدون شاه جهان آشور و ... با راماماتایا امیر شهر اوراکازارباتا (و این اولین بار است که اسم یک شهر در یک متن آشوری می آید) در برابر خدایان بزرگ آسمان و زمین و با حضور آشوربانیپال پسر جانشین و ولیعهد اسرهدون امیر ماد باید بداند که همچنان که شاه آشور را متابعت می کند از فرامین فرزند او هم سرپیچی ننماید و باید در شهر و روستا از ولیعهد حمایت کند و برای او بجنگد و برای او بمیرد نباید با او دشمنی کند و نباید علیه او برخیزد این متن را من از کتاب دان ناردو دانشمند انگلیسی امپراطوری آشوری

گرفته ام. در این معاهده علاوه بر اشاره به مسایل سیاسی به نام شهر و روستا هم اشاره شده است و همچنین از ضعف آشور در مقابل مادها استفاده می کند و تقریباً در حدود ۶۰ سال بعد مادها عاشوریان را از جا کردند و خودشان جانشین ایشان گشتند. زمانی که آریاها به ایران آمدند و زندگی بیلاق و قشلاقی داشتند و به چوپانی مشغول بودند ما با تمدنی روبه رو هستیم که یک معماری بی نظیر و منحصر به فرد را دارد به نام زیگورات چغازنبیل به ارتفاع حدود ۵۷ متر که بخش عمده آن از بین رفته و ۲۳ متر بیشتر از آن به جای نمانده است و این معماری اعجاب آوری است که دولت ایلام در شهر دوران تاشی دارد شهری که امروزه به آن هفت تپه می گویند و مردی که این را ساخته نامش اونتاش هومان است و یا اونتاش گال و این زیگورات را برای همسر خود که در سن ۲۳ سالگی سرزرا رفت ساخته است. نام همسر وی ناپیراسو بوده است و جالب تر آنکه یک مجسمه از ایشان می سازد که بسیار معروف است و ارتفاع آن ۱۴۷ متر است که به نظر می رسد ۱۶۰ متر بوده و این مجسمه از برنز است و با لباسی بسیار زیبا و پوشیده و بلند در حالی که دستان روی سینه است و به نظر می رسد که مهمانان خود را مشایعت می کند و متأسفانه سر این مجسمه را بریده اند و وزن این مجسمه بدون سر یک تن و هفتصد کیلوگرم است این مجسمه امروزه در موزه لوور پاریس نگهداری می شود شهر دوران تاشی شهری بوده که افراد زیادی اطراف آن زندگی می کرده اند و این بخش مرکزی شهر بوده است. ایلامی ها شهرسازان بسیار ماهری بودند و علت آن این بود که ایلامی ها تجار تگران بسیار خوبی بودند و در بهترین منطقه کشاورزی و تجاری ما زندگی می کرده اند که همان خوزستان امروزی است و این پیشرفت ایلام در تجارت و صنعت و کشاورزی در دوران خود محسود دولت های بین النهرین قرار می گرفته از جمله دولت سومر دولت آکاد و آخرین دولت عرب نژاد منطقه به نام آشور و در سال ۶۴۵ قبل از میلاد آشور ایشان را نابود کرد و خود آشور بانیپال می گوید من دستور دادم در منطقه ایلام تمام مزارع را بسوزانند از جمله مزارع عالی نیشکر را و بعد روی زمین قیر بریزند تا زمین باروری خود را از دست بدهد و کودکان را کشتم من به زنان و کودکان فرصت زندگی ندادم و این دولت بدین شکل از بین می رود البته آثار شهرسازی ایلامیان که اولین شهرسازان منطقه جنوب ایران هستند هنوز آثارشان هست مثلاً شهر شوش که نه تنها پایتخت شوش است که

بعدها پایتخت هخامنشیان می شود صدسال پس از سقوط هخامنشیان داریوش شوش را به عنوان پایتخت جهانیان معرفی می کند. شهر شوش که آثار بسیار گهرباری از آن به دست آمده و آخرین بار لوحه حمورابی را در آن پیدا کردند و این شهر از شهرهای ایلامی است که ایشان شهرسازان بسیار ماهری بودند ایلامی ها اصلا ایرانی نیستند و از نژاد آریایی نیستند ایشان نژاد آسنیک هستند یعنی نژاد بومی منطقه هستند و ایشان در جنوب ایران از امکانات بسیار بالایی برخوردار بودند شهر شوش سوسنگرد الشتر همگی ایلامی هستند ایشان تجار تگران و بندسازان نیرومند بوده اند بندر بوشهر ایلامی است و از رود سند به موهنجودارو می رفته اند کشتی ساز بودند و مردمان بسیار موفقی بودند.

و اما برگردیم به مادها، مادها نیز شهرساز بوده اند بی تردید مختصات شهرسازی خود را از اورارتوها می گیرند همچنان که ایلامی ها اقتباس شهرهای خود را از بین النهرین می گیرند. شهرهایی ایرانی از دوره مادها که اطلاعات ما از آنها بسیار محدود است شهرهایی است که خیلی شبیه کوه های اورارتو یعنی ارمنستان امروز و پایین دریاچه وان ترکیه بوده است ما از اولین شهری که در این سرزمین ساخته می شود اطلاعات بسیار محدودی داریم. اولین شهری که ایشان ساخته اند هگمتانه است هگمتانه یعنی تجمع گاه یعنی محل جمع کلمه هنگ به فارسی یعنی جمع و ایشان جمع می شدند تا بتوانند در این منطقه هر قبيله سهم خود را به دولت آشور باج بدهند این شهر متاسفانه وجود ندارد و باستان شناسی می گفت ما اگر بخواهیم هگمتانه را از زیر خاک بیرون بیاوریم لازم است تمام شهر همدان را خاک برداری کنیم و این امکان پذیر نیست در واقع هگمتانه در زیر شهر همدان است و این اولین شهر ایرانی است و تا زمان هخامنشیان نیز هنوز پابرجاست و این شهر به عنوان پایتخت و نشان قدرت ایرانیان در منطقه باقی ماند و می دانیم که پادشاهان هخامنشی کتیبه هایی نیز در آنجا به یادگار گذاشته اند. ما باری مطالعه تاریخ راجع به ایران باستان دو منبع داریم یکی تاریخ هرودت و یکی تورات عهد عتیق. در نوشته های آشوری ها راجع به مادها اینچنین آمده است که مادها به درون شهر دژهای خود پناه می برده اند و در آنجا پنهان می شده اند و در واقع شهردژها پناهگاه های موقتی بود که مادها در هنگام هجوم دشمنانشان به آنجا پناه می برده اند و نکته جالب

اینکه در این شهرها رفته رفته تغییرات مدنی به وجود می آید بیشترین اطلاعات را دیاکونوف راجع به مادها به ما می دهد اما بعد از ایشان خانم امیلی کورت که آلمانی هستند و در انگلیس زندگی می کنند اطلاعات تازه ای در این زمینه به ما می دهند خانم کورت می گوید ایرانی ها بسیار علاقمندند که مقابر خوب داشته باشیم و مقابر را همچون خانه های خود می ساختم و این برگرفته از اعتقادات ما بوده است که مرده ها را زنده می پنداریم. محقق نامدار آلمانی آقای هرتسفلد که تخت جمشید را از زیر خاک خارج نمود کتاب بسیار خوبی دارد که در سال ۱۳۱۷ چاپ شده است به نام تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان شناسی با ترجمه علی اصغر حشمت. هرتسفلد چنین می گوید که مادها نگاهی ستایش انگیز به منابع آشوری دارند ایشان معتقد است که شهرهای مادی به صورت شهرهای اورارتویی ساخته شده است مانند مقبر در مهاباد که شبیه خانه ساخته شده است و نام آن فخریکا است و در اینجا مقبره سه تن از بزرگان و سرداران ایرانی است که در جنگ آشور کشته شده اند و این مقبره در کنار جاده است خانم کورت اشاره می کند که این قبور از نظر معماری شهری با کاخ ها برابری می کنند. هرتسفلد می گوید ساختمان هایی با سقف چوبین و ستون ها از جمله شهر اوشکابایا در آذربایجان که حصارى به ضخامت ۸ زرع داشته و شهر دیگری به نام ایناستانیا که دارای دو حصار بوده و محقق آلمانی معتقد است این شهرها محصول تحول جدید ایرانیان در شهرسازی بوده است و همانگونه که عرض کردم واژه آنمیزم را به کار برده آنمیزم از واژه انیمیشن می آید یعنی زنده پنداری و تصور ایشان بر این بوده که مرده ها زنده هستند و حتی شاهد قبوری در ۲۵ سانتی کف منازل ایشان هستیم. دخمه هایی که هرتسفلد معتقد است به مادها تعلق دارد و از آن جمله می توانیم به دخمه فخریکا، فرهاد و شیرین، دکان داود، داو دختر که به عنوان نمونه های بسیار خوب این مقابر را به نمایش می گذارد. آقای تقوی نژاد شهرشناس در کتاب خود جملات جالبی می گوید و می گوید که شهرهای مادی دارای برج و بارو بودند کاخ ها و بنای فرمان روا را این برج و بارو مراقبت می کرده کوچه هایی که ارابه در آن می توانسته حرکت کند و از تقاطع این کوچه ها چهارراه ها به وجود آمده و خانه های مردم در بین این اضلاع عمود برهم ساخته می شده است، و اشاره می کنند که چندین شهر مادی را ما هنوز آثارش را داریم از جمله شهر اصفهان

، شهر ارومیه، شهر پارس پایا یا تکاب، شهر کونکوبار کنگاور امروز است شهر ری که شهری امروز است، شهر اکباتانا همان هگمتانه شهر اسپدانا اصفهان که دورترین شهر مادی بوده و شهر اصفهان مرز ماد و ایلام بوده و رودخانه زاینده رود در این سو مادی بوده و آن سو متعلق به ایلامی ها بوده. در اثر گسترش فرهنگ شهر و شهرنشینی مسائله جنگ ختم می شود و مادها دیگر جنگ نمی کنند و عده ای در این زمان وارد خانه سازی می شوند و این اولین بار است که ما با واژه معمار روبرو می شویم. سال های ۶۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد را ما می توانیم عصر معماران نام ببریم. خانم کورت می نویسند در عصر رشد و پیشرفت و تشکل امپراطوری ماد، مادها شهرهای ثروتمندی را ایجاد کردند در این زمان آرام مادها شروع کردند به ساختن شهرهای تجاری از جمله این شهرها یکی شهر حسنلو است در آذربایجان که جام زیبای حسنلو از آنجا به دست آمده به گفته خانم کورت سه نقطه باستان شناسی متعلق به قرن ۷ قبل از میلاد در جنوب جاده خراسان مورد حفاری قرار گرفته یکی گودین تپه، نوشی جان تپه و باباجان تپه که این سه تپه در نزدیکی ملایر است و این سه شهر شبیه هم هستند بازارهای تجاری بزرگی دارند و این بازارها دالان هایی با ستون های سنگی دارد همراه با حجره های تجار و نوشی جان تپه دارای تالارها و ستون هایی است که به احتمال زیاد مرکز تجار و بنکداران بوده است که از این محل با بین النهرین ارتباط برقرار می کرده اند. آنچه از مادها به جای مانده بسیار ناچیز است و با واقعیت مادی بسیار فاصله دارد اما آنچه مسلم است ایشان هنر خود در شهرسازی را از اورارتوها به یادگار برده اند و آن را به هخامنشیان منتقل کرده اند.

تاریخ هخامنشیان، هخامنشیان در مدیریت جهات تغییر ایجاد کردند و این مهمترین تغییری بود که در دنیای قدیم به وجود آمد. در تاریخ قدیم ما ۳ بار عوض شده است یک بار در دوره آغاز هخامنشیان، یک بار در آغاز ساسانیان و یک بار در آغاز اسلام. در دوره هخامنشان ما یک دولت جهانی شدیم در دوره ساسانیان ما یک دولت مذهبی شدیم مذهب و سیاست به هم آمیخته شدند.

۵۵۰ قبل از میلاد که حکومت هخامنشیان آغاز می شود ما با یک شهر و روبرو می شویم در واقع دو شهر یکی شهر اکباتانا است و دیگری شهر پاسارگاد. شهر پاسارگاد زمانی ساخته شده

است که دولت ماد هنوز سرکار است و آقای دیوید استوراناخ در کتاب خود به این نکته اشاره کرده اند و تاسیساتی که بعدها به پاسارگاد اضافه شد از مادها به وام گرفته شده بوده و در واقع همان تاثیرات فرهنگ اورارتویی بوده و ما در ابتدای دوره هخامنشی شاهد شهرسازی اورارتویی بوده ایم اما پاسارگاد با پرسپولیس به شدت متفاوت است بعد از مرگ کوروش در ۵۱۸ در نزدیکی مازندران داریوش سنگ بنای پرسپولیس را در منطقه کنونی بنا نهاد که در زمینی به وسعت ۱۲ هکتار این کار انجام می گیرد و معماری پرسپولیس صخره است به دو دلیل یکی بلند بودن از سطح زمین و یکی تشریفاتی بودن آن. در شهر پاسارگاد کوروش برای خود و خانواده اش قصری بنا نهاد اما داریوش برای آینده هخامنشی قصرهای زیادی ساخته و حتی تا ۱۵۰ سال بعد شهرسازی در این منطقه ادامه داشته و خانم کورت معتقد است در این مناطق نمی شد زندگی کرد چرا که سرو صدای کارگران و ابزار ساختمانی مانع از زندگی در آن مناطق شده است و عاقبت تبدیل به قبر اردشیر و بعد پسرش اردشیر سوم نیز در آنجا به خاک سپرده شد.

آقای گروویچ می گوید قبر کوروش دارای هنرهای مختلفی است زیرا آثار هنری زیادی در این مقبره وجود دارد و این مقبره زیگورات مانند شباهت زیادی با آثار ایلامی و بین النهرین دارد نفوذ هنر یونانیان را در آنمی توان مشاهده کرد تاثیر هنر اورارتویی را دارد و آقای استورونوخ می گوید قبر کوروش یک ظاهر است و آنچه است در زیر آن است